

خبر

هجوم لشکر مگس‌های سفید

● **ایسنا:** رئیس کمیته محیط زیست شورای شهر تهران کاشت درختان توت و عدم سرباشی زمستانه درختان را علت اصلی هجوم مگس‌های سفید دانست. محمد حقانی با اشاره به رویت مجدد مگس‌های سفید در سطح شهر با بیان اینکه مسئولیت اصلی کنترل جمعیت مگس‌های سفید در تهران با شهرداری است، گفت: حفاظت از درختان باقی‌مانده شهر که تا امروز از هجوم مگس‌های سفید جان سالم به‌در برده‌اند برعهده شهرداری است و اصولا شهرداری عهده‌دار حفظ بهداشت شهر است. وی افزود: اگر مسئولان شهری س‌م‌باشی زمستانه درختان را به طور منظم انجام می‌دادند، امروز شاهد هجوم مگس‌های سفید به تهران نبودیم. رئیس کمیته محیط زیست شورای شهر تهران با اشاره به اینکه ظاهرا مدیران شهرداری کارهای مهم‌تری از رسیدگی به وضعیت شهر و شهروندان دارند، گفت: اگر غیر از این بود، بعد از ۱۲ سال شاهد جایگزینی انبوه موش و مگس‌های سفید به‌جای پرندگان در تهران نبودیم. حقانی با بیان اینکه درختان توت میزبان اصلی مگس‌های سفید هستند که هم‌زمان با آغاز گرما شروع به تکثیر می‌کنند، گفت: این حشرات مانند «شته‌ها» از توانایی بالایی در تولیدمثل برخوردار هستند و در محدوده مرکزی تهران که درختان توت بیشتری کاشته شده؛ مانند منطقه ۶ و همچنین کن و... بیشتر از سایر مناطق به چشم می‌خورند.

ادامه از صفحه ۱۶

زنان، آموزش و خشونت خانگی

... میزان خشونت اعمال‌شده از سوی همسران علیه آنها کمتر است (علی‌رودی‌نیا و همکاران ۱۳۹۲)؛ زیرا براساس آنچه گفته شد، می‌توان گفت، زنانی که نسبت به باورهای کلیشه‌ای جنسیتی حاکم، اعتراض می‌کنند، به این دلیل بیشتر در معرض خشونت واقع می‌شوند که این اعتراض و سربچی آنها تهدیدی علیه اقتدار مردانه به شمار می‌آید و مردان تنها با اعمال خشونت، می‌توانند از قدرت خود محافظت کنند. بنابراین براساس نظریات فوق و با پذیرش این مسئله که خشونت خانگی پیوندی تنگاتنگ با ساختار فرهنگی و اجتماعی یک جامعه دارد، می‌توان گفت اساسی‌ترین راه‌حل برای مقابله با این معضل، راه‌حلی فرهنگی و مبتنی بر آموزش و افزایش آگاهی عمومی افراد جامعه، چه زن و چه مرد است. نگاهی جامع به مطالعات و بررسی‌های انجام‌شده که مشخصا با هدف ارائه راهکارهایی در زمینه کاهش و محو خشونت خانگی صورت گرفته‌اند، نشان می‌دهد قریب به اتفاق این مطالعات نیز مؤثرترین راهکار برای مقابله با این پدیده را استفاده از ابزارهای فرهنگی در کنار ابزارهای فیزی می‌دانند. اقداماتی همچون آموزش افراد جامعه (زن و مرد) به منظور تغییر در نگرش و باورهای جنسیتی آنها، آگاه‌کردن زنان از حقوق شرعی و قانونی خود در خانواده و جامعه، از جمله این اقدامات فرهنگی به شمار می‌آید که بدون شک مدارس در دستیابی به اهداف فوق، به‌ویژه ایجاد نگرش صحیح نسبت به جنس مخالف در دانش‌آموزان، پرهیز از خشونت و کسب مهارت در حل مشکلات رفتاری در خانواده نقش اساسی و پررنگ دارند. براساس نظر بسیاری از صاحب‌نظران برای تحقق مؤثر این مهم، یعنی تغییر در نگرش و باورهای جنسیتی حاکم از طریق آموزش، باید به دو محور اصلی در این زمینه، یعنی محتوای آموزشی و روش‌های آموزشی توجه داشت. محتوای آموزشی که با هدف توانمندسازی زنان و مردان در مواجهه با مشکلات زندگی تهیه می‌شود، می‌تواند شامل آموزش نحوه سازگاری افراد با تغییرات سبک زندگی از سنتی به مدرن و مشارکت زنان در فرایند تصمیم‌گیری در خانواده، آموزش‌های قبل و بعد از ازدواج در زمینه‌های حقوقی، بهداشتی و روانی، آشنایی با خصوصیات روان‌شناختی زن و مرد و تفاوت‌های آنها، نحوه حسن معاشرت زن یکدیگر، مهارت‌های ارتباطی و سازگاری برای مواجهه با مشکلات و انتخاب درست رفتارهای جایگزین در حل مسئله، مدیریت استرس و کنترل خشم، رفتار و روابط صحیح در ارتباطات ناشویی و جنسی باشد. از سویی روش‌های آموزشی نیز باید متناسب با این محتوای آموزشی و گروه‌های مخاطب باشد. از جمله این روش‌های مورد تاکید در سطح مدرسه از دید صاحب‌نظران، استفاده از کتاب‌های درسی در مقاطع مختلف، تهیه کتابچه‌های آموزشی ویژه (فوق برنامه) برای دانش‌آموزان، برگزاری کارگاه‌های آموزشی مهارت‌های زندگی و توان حل مسئله برای دانش‌آموزان و خانواده‌هاست، اما نگاهی به محتواهای آموزشی موجود در مدارس و کتب درسی در ایران نشان می‌دهد که متأسفانه نه‌تنها نظام آموزشی موجود در این زمینه هیچ گامی برنداشته، بلکه به‌نوعی به تثبیت و دوام نگرش‌های جنسیتی غلط موجود که خود می‌تواند زمینه‌ساز بروز خشونت خانگی باشد، دامن زده است. نگاهی دقیق به محتوای کتاب‌های درسی به‌عنوان رایج‌ترین و قدرتمندترین ابزار آموزشی در مدارس نشان می‌دهد که این کتاب‌ها به‌ویژه در مقطع ابتدایی گرایش دارند زنان و مردان را بیشتر در نقش‌هایی مجسم کنند که منطبق بر کلیشه‌های سنتی و مربوط به گذشته است تا نقش‌های جنسیتی مربوط به زمان حال یا آینده.

معصومه اصغری؛ شهردار تهران در دوره دوم حضور خود در مدیریت شهری تهران و اجرای پروژه‌هایی که آذهان عمومی را بیشتر به سمت مدیریت شهری بچرخاند، اجرای یک دریاچه مصنوعی در غرب تهران را کلید زد، دریاچه‌ای که ظاهری زیبا دارد اما ابهامات و اتهاماتی درخور توجه از جمله قتل انبوهی از درختان را به دوش می‌کشد.

محمداقار قالیباف در سال ۸۹ کلنگ احداث دریاچه چیتگر را زد درحالی‌که جز چند آپارتمان حوالی آن ساخت‌وساز دیگری در منطقه ۲۲ نبود و در طرح جامع هم به ادغان اعضای شورای شهر تهران تا ۲۰۰ هزار نفر بارگذاری جمعیت دیده شده بود اما آنچه امروز در این منطقه شاهد هستیم، فارغ از دریاچه‌ای چشم‌نواز، جنگلی از برج‌هاست که گران و بدون خدماتی همچنان در حال بزرگ‌ترشدن هستند. به‌عبارت دیگر منطقه‌ای که به‌عنوان سُشن‌های تهران و پهنه ویژه‌ای با کاربری تفرج و گردشگری و البته خدماتی در نظر گرفته شده بود، حالا نه‌تنها برای تأمین نیازهای خود دچار مشکلات اساسی است، بلکه حتی در تأمین سرانه‌های اساسی خود از جمله تأمین آب موردنیاز خود مانده است و شوراییاران این منطقه وقتی به شورای شهر گزارش می‌دهند، عدم تأمین آب موردنیاز برای محلات و فضای سبز و خشک‌شدگی درختان در این محدوده جزء اولویت‌هایشان است. درباره چنین پروژه مهمی که یک منطقه و بخشی از یک شهر را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، مسئله تأمین آب موردنیاز اهمیت اصلی را دارد اما شهرداری تهران آب موردنیاز دریاچه چیتگر (شهدای خلیج فارس) را از کجا تأمین می‌کند و چرا درباره اخبار خشک‌شدن درختان و فضای سبز و پارک‌های اطراف دریاچه پاسخ روشنی وجود ندارد.

مهر ماه سال گذشته، معاون وزیر نیرو در نامه‌ای به شهردار تهران، می‌گوید از شهردار تهران خواستیم تا درباره برداشت آب‌های زیرزمینی برای کل شهر تهران از جمله دریاچه چیتگر رعایت و همکاری کنند اما توجهی نشده است. اختلاف نظر اداره آب و شهرداری منطقه ۲۲ درباره میزان آب مصرفی در پاییز سال گذشته منجر به اختلال در آب‌رسانی به درختان پارک چیتگر شد و تصاویر ایسنا؛ درحالی‌که معاون بهزیستی استان تهران از بررسی طرح «واگذاری نوزادان به طور مستقیم از بیمارستان به خانواده‌های متقاضی فرزندخواندگی» با هدف جلوگیری از رسوب کودکان و نوزادان در شیرخوارگاه‌ها و مراکز شبه‌خانواده و رایزنی با مسئولان قوه قضائیه برای اجرائی‌کردن طرح مذکور خبر می‌دهد، معاون اجتماعی بهزیستی کشور اجرائی‌کردن این طرح را غیرممکن دانست و گفت: تصمیم‌گیری درباره چنین موضوع مهم و کلانی در سطح استان مقدور نیست و این امر باید در سطح کشوری بررسی شود؛ هرچند اجرای این طرح نیز غیرممکن است. حبیب‌الله مسعودی‌فرید، در واکنش به مطرح‌شدن طرح واگذاری نوزادان به متقاضیان در بیمارستان‌ها از سوی بهزیستی استان تهران در رسانه‌ها گفت: اجرای این طرح غیرممکن است زیرا کودک باید در فرایند پذیرش بهزیستی وارد شود و حتی اگر دارای والدین معاد هم باشد، باز نمی‌توان به این سرعت حکمی درخصوص بدسرپرستی او صادر کرده و کودک را بلافاصله به بهزیستی تحویل داد، زیرا ممکن است پدر یا مادر کودک شش ماه بعد اعتیاد خود را ترک کنند. به همین دلیل باید در یک پروسه مشخص عدم صلاحیت دائمی والدین اثبات شود و این مسئله ساده‌ای نیست. وی در ادامه با تأکید بر آنکه باید صلاحیت خانواده متقاضی فرزندخواندگی نیز با دقت بررسی شود، افزود: صلاحیت خانواده‌ای که متقاضی فرزندخواندگی است

واگذاری نوزادان در بیمارستان به متقاضیان «فرزندخواندگی» غیر ممکن است

باید در کمیته فرزندخواندگی به دقت بررسی و مواردی چون تمکن مالی، عدم سوپیشینه و... آنها مشخص شود. معاون امور اجتماعی بهزیستی کشور خاطرنشان کرد: نمی‌توان هر کودکی را که دارای مادر یا والدین معتاد است به فرایند پذیرش فرزندخواندگی در بهزیستی وارد کرد زیرا ممکن است مادر ترک کرده و پس از آن مدعی شود. این در حالی است که ما مادری را حق مسلم هر زن می‌دانیم و در مواردی مادر معتاد را تحت حمایت خود قرار می‌دهیم تا به بهبودی برسد و توانایی سرپرستی کودک خود را داشته باشد. فرید همچنین از همکاری با وزارت بهداشت برای ارائه خدمات دوران بارداری و پس از بارداری به زنان معتاد خبر داد و گفت: بر مبنای این طرح زنانی که اعتیاد سوی بهزیستی استان تهران در رسانه‌ها گفت: اجرای این طرح غیرممکن است زیرا کودک باید در فرایند پذیرش بهزیستی وارد شود و حتی اگر دارای والدین معاد هم باشد، باز نمی‌توان به این سرعت حکمی درخصوص بدسرپرستی او صادر کرده و کودک را بلافاصله به بهزیستی تحویل داد، زیرا ممکن است پدر یا مادر کودک شش ماه بعد اعتیاد خود را ترک کنند. به همین دلیل باید در یک پروسه مشخص عدم صلاحیت دائمی والدین اثبات شود و این مسئله ساده‌ای نیست. وی در ادامه با تأکید بر آنکه باید صلاحیت خانواده متقاضی فرزندخواندگی نیز با دقت بررسی شود، افزود: صلاحیت خانواده‌ای که متقاضی فرزندخواندگی است

سابقه بیمه روستاییان برای بازنشستگی به ۱۰ سال کاهش یافت

علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در جمع مردم استان مازندران با اشاره به سیاست‌های رفاهی دولت تدبیر و امید گفت: سیاست‌های رفاهی دولت تدبیر و امید برخلاف رویکرد سیاست صدقه‌ای که در دولت قبل با ایجاد رضایت کوتاه‌مدت و بدون اثر میان‌مدت و بلندمدت انجام می‌شد، در رأس فعالیت‌های مسئولان وزارتخانه قرار گرفت. ربیعی درخصوص خدماتی که به روستاییان در دولت تدبیر و امید ارائه شد، گفت: امروز خدمات اینترنتی به تمام روستاهایی که بالای ۴۰ خانوار دارند، ارائه می‌شود و اکنون به سمتی حرکت می‌کنیم که در آینده نزدیک به روستاهایی که ۱۰ خانوار در آن سکونت دارند نیز اینترنت برسانیم. نکته دیگری که باید به آن اشاره کنیم، موضوع آب‌رسانی به روستاهاست و با تلاش این وزارت‌ها را متوقف کنیم. ما اگر بخوایم می‌توانیم هر روستا را به یک وضعیت مطلوب برسانیم.

جامعه



این درختان خشک‌شده در شبکه‌های اجتماعی چرخید. اتفاقی که شهردار وقت منطقه ۲۲ با تأیید خشک‌شدن درختان پاسخ‌هایی متفاوت داد و یک بار گفت درختان دچار سرمازدگی شده‌اند و یک بار گفت درختان قدیمی بوده‌اند و یک بار هم گفت بدهی داشتیم، آب را قطع کردند و درختان خشک شدند. در هر صورت درختانی که در این مدت جانشان فدای دریاچه خلیج‌فارس و پروژه فراملی شهردار تهران شد، اولین و آخرین قدایان این پروژه نیستند و این دریاچه همچنان دارد قربانی می‌گیرد. شهروندان شهرکی قدیمی به نام شهرک چشمه در همسایگی دریاچه چیتگر تازه‌تأسیس در تماس با روزنامه «شرق» از وضعیت بی‌آبی و خشک‌شدگی درختان فضای سبز و پارکی به نام یاس در این محل خبر دادند و مدعی هستند این پارک فدای دریاچه چیتگر شده است. شهروندان در این مدت به هر جایی که دستشان می‌رسیده نامه داده‌اند و پیگیری کرده‌اند اما جوابی نگرفته‌اند؛ حالا دست به دامن رسانه‌ها شده‌اند.

یکی از ساکنان این محله قدیمی در منطقه ۲۲ به انبوه برج‌هایی که یکی‌درمیان از میان محلات بالا آمده و راه دید عمومی را بسته است، اشاره می‌کند و می‌گوید: هر کدام از این برج‌ها جای انبوهی از درختان سبز شده‌اند و حالا در شرایطی هر روز تعدادشان زیاد می‌شود که ما در این محلات مشکل جدی فاضلاب، تأمین آب و فشار آب داریم.

عقبه تاریخی اصفهان همچون دایه مهربان‌تر از مادر، گاهی برای این شهر برکت و نعمت است، مایه امیدواری به گردشگری است، دستمایه برندینگ شهری و نقطه تمایز آن از کلانشهری جدید و قدیم ایران و سرمایه ایست نمادین که گاهی در گنبدهای فیروزه‌ای و زمانی در پل های تاریخی و محورهای میراثی خلاصه می‌شود. سابقه تاریخی اصفهان زمانی ددرس ساز هم بوده، گاه بهانه‌ای است برای مردم ماندن اصفهان بر دروازه های پیشرفت و باقی ماندن در موزه صوبه و گاهی مانعی بر سر راه توسعه به روایت سنتی‌هاست، همان نگرشی که بافت تاریخی را فرسوده می‌خواند و محورهای میراثی را، سد راه مترو در گشایش چهارباغ‌ا از این روزمانی که تحریم‌های بین المللی یقه سرمایه گذاری و راه ورود گردشگر خارجی را به اصفهان بست، آمار رخت و رکود در اصفهان بیش از تراز ملی شد. مشکل انجاست که تاریخ بر سر اصفهان آوار شده و نه تنها تفکر نوین توسعه یابد؛اگر حتی ذهنیت عمومی را هم درگیر کرده است. سال های سال، مدیریت شهری با نگاه یکسویه به تاریخ و تفکرات سنتی غیرپاسگو و نه نوسازی، مطالبات را برهم انباشته و با بی عملی و بی‌توجهی به زیرساخت‌های توسعه و گردشگری و مدیریت و دیپلماسی شهری کوشید تا نهادهای دلخواه را و نه همه سرمایه های اصفهان را از زیر آوار تاریخ درآورد. نتیجه آن آرک جهان نما شد که در قلب شهر نزدیک به ۴۰۰ میلیارد تومان از سرمایه های مردم را بلعید تا تلی از آجر و بتون اکسپوزه برجا بگذارد و علاوه بر اتلاف و استهلاک سرمایه ها، یونسکو را نیز حساس و بدبین کند، بدنه شرقی چهارباغ نیز تنها با دیدگاه اقتصادی تخریب شد و الگوی همچون آرک جهان نما را در چهارباغ، تاریخی‌ترین محور شهر،تکرارکرد، قصه میدان آزادی و میدان عتیق نیز با همه تبلیغات همچنان توانست اعتماد عمومی را به خود جلب کند و نتیجه آن مراکز و میدانی هستند که اگر چه ظاهری از تاریخ دارند، اما باطنی آنها جوبابگوی مطالبات تاریخی نیست. مردم باطنی جدید شهری اصفهان اما چاره را در احیا و بازخوانی و خلاقیت یافت، احیای بافت‌های تاریخی همچون دولتخانه صفوی، بازگرداندن سنگفرش‌های صفوی به چهارباغ عباسی پیاده‌رو، برای ساخت فضای مکت و تماشا و کاستن از سرعت روندی که می‌خواست ماشین توسعه را با سرعت هرچه تمام از کوچه‌های تنگ تاریخی ولو به قیمت تخریب همه آنها! عبوردهد و از همه مهم‌تر زیباسازی شهر در محلاتی که هویت تاریخی و نوین خود را یکجا به فراموش سپرده بودند در واقع جریانی که شهر را همچون موجود فاقد روح تلقی می‌کرد، با تحلیل طبقاتی، جنوب و شمال شهر را از هم گسسته و هر آنچه از تراکم و عوارض بود را در شمال

شهرکشان می‌گذشت تا به پارک یاس برسد و از زمان ایجاد دریاچه تاکنون دیگر اثری از آثارش نیست، خبر دارند و می‌گویند این آب را برای دریاچه چیتگر تغییر مسیر داده‌اند. شهروندان این محدوده شهری بدون آنکه بخواهند، قربانی یک طرح نمایی شهری شده‌اند درحالی‌که حالا علاوه بر حقوق مکنبه شهری و ملکی‌شان، حق آب و باد و فضای سبز و تردد شهری و همه سرانه‌های زندگی را از آنها گرفته‌اند و دستشان هم به جایی بند نیست. حدود هفت سال قبل زمانی که شهردار تهران می‌خواست کلنگ دریاچه چیتگر را به نفع برج‌سازان و جریان ساخت‌وساز این منطقه و به نام مردم تهران بر زمین بزند، در پاسخ به یک سوال مهم و فراگیر که همان محل تأمین آب دریاچه چیتگر بود، گفت: «یکی از دلایل زمان‌برشدن این پروژه، مطالعات دقیق اجرائی و موضوع نحوه انتقال آب به این دریاچه بود و تاکنون هماهنگی‌های لازم با شرکت آب منطقه‌ای و وزارت نیرو برای میزان آب موردنیاز این دریاچه و سد صورت گرفته است. دراین‌باره توافق‌نامه‌های مشترک بین شهرداری و شرکت آب منطقه‌ای، مراحل نهایی تکمیل بررسی را گذرانده‌اند» اما واقعیتی که بارها در اخبار دولت نهم و دهم نتوانست ارتباط خوبی برقرار کند و تعامل با مجموعه وزارت نیرو برای تأمین این آب موفق نبود و اتفاقی که درباره خشک‌شدن درختان پارک چیتگر در ادامه اختلاف شرکت آب منطقه با شهرداری منطقه ۲۲ رخ داد، نمونه آشکاری برای وجود این اختلاف است. اگرچه شهرداری تهران درباره مکیدن آب‌های عرصه‌های مختلف اطراف دریاچه چیتگر و خشک‌شدن تدریجی درختان و فضای سبز این محدوده سبز و بر از باغ هیچ‌گاه اقرار به اشتباه نمی‌کند و در آینده نزدیک در تغییر در مدیریت شهری اسناد چنین تخلفات و اشتباهاتی بیرون می‌آید اما به هر روی در شرایط فعلی این شهروندان منطقه ۲۲ و مجموعه‌هایی مانند شهرک چشمه هستند که در معذورت و سخی‌اند. درعین‌حال درختانی بی‌زیان در میان جنگلی از برج‌ها در حال نابودی هستند که صدایشان به جایی نمی‌رسد.

خبر ویژه

بیداری حافظه ژنتیک اصفهان!

آواربرداری محتاطانه مدیریت شهری جواب داده است؟



فقریزنه کرده بود تا حاشیه نشینی را در همان نقطه از شهر گسترش دهد و طبقه متوسط ضعیف و لاغرتر شود. در واکنش به این سیاست های غلط، طبقه متوسط جدید در شمال شهر از درون خیابان های کاوه و خانه اصفهان و ملکشهر سرب‌آورد و مراکز نوین متمایل به طبقه متوسط، با سرمایه گذاری در جنوب شهر، گفتمان های ارتجاعی شهردار قبلی را ناکام گذاشت .

مدیریت شهری جدید ولی با هوشیاری و آگاهی، از اشتباهات گذشته دوری‌کرد و حرکتی رو به جلو برگزید و از کلانشهری که به سودای پایتخت فرهنگ و تمدن در خواب توسعه درمانده بود، رو به جهان‌شهر خلاق، کارآفرین و دانایی محور آورد و آینده پژوهانه سعی‌کرد برای این جهان‌شهر، آوار برداری را به تاسی از دولت روحانی از تاریخ و فرهنگ اصفهان و مطالبات ناشی از آن آغازکنند. این اقدام پر ریسک، ظریف هم بود، چرا که در صورت ناکامی می‌توانست مطالبات مردمی را باز دامن بزند و میزان این آواربرداری اگر به دقت محاسبه نمی‌شد، سطح انتظارات را بالاتر هم می‌برد و مشکلی بر مشکلات اصفهان می‌افزود. مشکل آنجا خود را نمایان ساخت که مدیریت شهری، زیرساختی برای حمل توسعه بر شانه‌های خود‌نداشت و اگرچه محله محوری رونق یافته بود اما باز گره کور توسعه در اصفهان در اقتصاد و مدیریت شهری به آسانی گشوده نشد. از همین رو نهادهای جدیدی همچون مرکز خلاقیت را تأسیس کرد و نیازسازي را توسعه داد تا کالبد شهر را در حالتی که در بدنه شرق چهارباغ و آراک جهان نما و ساخت ساز در حریم زاینده رود مرده بود، انسان وار نگریسته شود. وقتی آلمان‌های اولیه زیباسازی شهری سرب‌آوردند، انتقاداتی هم از جمله توجه بیش از حد به رئالیسم سطحی، متوجه مدیریت شهری شد، به اعتقاد منتقدان کیوتران پلاستیکی که در نوروز ۹۵ بر در و دیوار شهر، جا خوش کرده بودند، نتوانستند آزدگی خاطر مردم اصفهان از کوچ پرندگان مهاجر زاینده‌رود بر آب را زنده کنند و مجسمه‌ها انکار بازخوانی و بازسازی خود مردم اصفهان بود که در ترافیک و بی‌نشاطی مسخ مانده بودند. پیرمردی که کنار جهان نما، قلم‌زنی می‌کرد،

نگاه

بحران هویت

بحران شهری و چند نکته مهم

مهديه خاكي‌مدنيق

کارآفرین حوزه زنان خودسرپرست

● کلان‌شهرها در همه‌جای دنیا خصوصیات مشترک دارند؛ خصوصیاتى که نیاز به مدیریت دارد و این مدیریت همان اصلی ست که کلان‌شهرها را از گیسورد بحران خلاص می‌کند. اما کلان‌شهر تهران سال‌هاست با مدیریت نادرست و غیراصولی، بحران‌های فراوانی دارد و با این زیربن، در آینده نیز خواهد داشت. در چنین وضعیتی است که شورای شهر به‌عنوان ناظر و انتخاب‌کننده شهردار، شریک این وضعیت است؛ وضعیتی که حتی از شفافیت در عملکرد نیز طفره می‌رود. مدیریت شهری در این دو دهه، مدیریتی معطوف به قشر متوسط رو به بالا بوده است؛ مدیریتی که به‌جای ساختن ریشه‌ای مستحکم برای شهر، به بزرگ‌کردن لاینتاهی متوسل شده است. بزکی که حتی شهر تهران را از ریخت هم انداخته است. چون اصولی در این بزرگ بی‌قواره ایجاد نشده و این ناکارآمدی را به رانت‌ها و تراکم‌فروشی‌ها و الی آخر اضافه کنید. در این سال‌ها هرچه رنگ‌ولعاب قلابی شهر پررنگ شده است، رنگ و رخساره زندگی واقعی پریزدتر شده و روی همچون گچش را نیز می‌توان در حواشی شهر و زندگی حاشیه‌نشینان جست؛ حاشیه‌نشینان و پابرهنگانی که سهمی در مدیریت شهری و غیرشهری ندارند؛ کودکان کار، زنان بدسرپرست و جامعه‌ای که آمارشان فقط برای کارهای اداری به کار می‌رود و موجودیت‌شان کوبی محو و بی‌اهمیت است. این همان نقطه رنجی است که در تناقض با بزرگ شهر خود را بیش‌ازپیش نمایان می‌کند. مسائل اجتماعی شهر تهران در کنار آلودگی هوا، ترافیک، برج‌های نفس‌گیر و قس‌علی‌هذا هندسه‌ای را می‌سازند که ساکنان این شهر راهی جز گمگشتگی و بحران ندارند؛ مشکلات عصبی، روحی، روانی و افسردگی‌ها نیز بخشی ریشه در همین هندسه دارد. مارشال برمن در «تجربه مدرنیته» هنگام صنعتی‌شدن و به‌وجودآمدن شهر را پیوسته با بحران هویت روایت می‌کند. پس شهر یا کلان‌شهر تنها مسائالش معطوف به آنچه می‌بینیم، نیست بلکه همین دیده‌ها تأثیرات ژرفی بر هویت مردمان شهر دارند. اگر از بحران هویت سخنی می‌گوییم، نمی‌توانیم نقش شهری بی‌قواره را نادیده بگیریم.